

### متن پرسش

استاد سلام علیکم: در رابطه با فهم قرآن پرسشی داشتم. مطلبی می نویسم خواستم هم تکمیلش و هم اشکالاتش را بر طرف بفرمائید: ۱. ابتدای هر سوره کلیت آن سوره را مشخص کرده است. ۲. اسماء پایان هر آیه جهت نگاه به آن آیه را مشخص می کند. ۳. آیات قرآن به صورت متوالی خوانده و ارتباط آیات با هم در نظر گرفته شود. ۴. با نگاه وجودی صدرا به قرآن مراجعه شود از نحوه نگاه صدرا به این مقدار می فهمم که اشارات قرآن را دنبال کنیم تا به حضور برویم. ۵. در عین نگاه وجودی نگاه استدلالی و در نظر داشتن قوانین منطقی هم می تواند در فهم قرآن کمک کننده و حفظ کننده از خطا باشد. اینجا سوالی هم دارم آیا چنانکه عده ای تصور می کنند نگاه صدرا منافی نگاه استدلالی مشاء می باشد؟ بنده با اندک منطقی که خواندم می بینم افرادی قرآن را تفسیر آیه به آیه می کنند آیه ای را به آیه دیگر ربط می دهند اما آیه اول از جهتی مطلبی را بیان کرده و آیه دیگر از جهت دیگر. یا مثلاً در آیه ای مسئله ای را مطرح کرده که لازم چیزی است اما در آیه دوم آن لازم و ملزوم وجود ندارد. سوال دیگری هم دارم: اگر شماره ۵ را بپذیریم آیا نحوه نگاه های دیگری هم قابل تصور است که در فهم قرآن به ما کمک کند؟ مثلاً قرآن برای اصحاب تجربه هم حرف داشته باشد؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. همیشه اینطور نیست. بعضاً در بین دیگر آیات آن سوره نکته اصلی به میان می آید. ولی در هر حال ابتدای هر سوره افقی کلی را مدّ نظر می آورد. ۲. این نکته خوبی است. ۳. آیات هر سوره چنین است. ۴. همین طور است زیرا در نگاه صدرايي از ماهیت به سوی وجود عبور می کنیم. ۵. آری! این نکته خوبی است. ۶. تدبّر در قرآن کمک می کند تا آیات هر سوره انسجام آن سوره را نشان دهد مگر در موارد استثنائی ۷. با مبنای وجودی، آری. موفق باشید